

معملم

شماها در درجه‌ی اول، نگاهتان بیشتر به بیرون دانشگاه است. به بیرون دانشگاه [هم] نظر داشته باشید؛ اینها خوب است، اما از این لازم‌تر این است که شما روی دانشگاه کار بکنید. در دانشگاه چه می‌گذرد؟ در کلاس‌ها چه می‌گذرد؟ در پایان‌نامه‌ها چه می‌گذرد؟ یک عده‌ای الان در دانشگاه اسلامی ایران، مجموعه‌ی دانشگاهی کشور، سعی می‌کنند که دانشجوی ایرانی تشخیص خودش را در دنباله‌روی از غرب بدانند! چه کسی باید در مقابل این پایستد؟ نیروی امنیتی؟ شما باید در این قضیه فعال بشوید. خودتان را از لحاظ پشتوانه‌ی نظری و فکری تقویت کنید؛ این لازم است. اگر از لحاظ نظری [خودتان را] تقویت نکردید، نه اینکه نمی‌توانید تفکر انقلابی را گسترش بدهید، [بلکه] حتی ممکن است تحلیل بروید، کما اینکه در مواردی این اتفاق افتاده. زیر اسم اسلام، برخلاف فکر اسلامی کار می‌شود، حرف زده می‌شود، اطلاعات داده می‌شود و از این قبیل.

مقام معظم رهبری؛ ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

نشریه دانشجویی دانشگاه تهران
بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
مدیر مسئول: صباپویان
سر دبیر: فاطمه شهریاری
هفته دوم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳
شماره ششم

العلم امام العمل والعمل پیر و آن است. الامانی بطوسی

دانش پیشوای عمل و عمل پیر و آن است. الامانی بطوسی

#پرونده-ویژه



فهرست



فرزانه سادات باطنی

به سنگر خودتان برگردید / ۲

یادداشتی پیرامون اعتبار دانشگاه در بیانات رهبری - دیدار دانشجویی ۱۴۰۳

بررسی تحلیلی انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا و نقش رژیم صهیونیستی در این انتخابات

۳/

مصاحبه با دکتر فواد ایزدی؛ کارشناس روابط بین الملل و آمریکا

مریم محمدی

پرونده باز کی-یف-مسکو / ۶

بررسی تحلیلی اهداف پوتین در جنگ نیابتی اوکراین و روسیه با پیش بینی سناریوهای پیش رو

زهرا غروی

اسلوب ناب / ۷

گفتاری در باب حفظ اسلام از انزوای اخباری گری با تاملی بر سیره و الگوی رفتاری شهید مطهری به مناسبت سالگرد شهادت ایشان

زینب بذرافشان

بزرگراه ایران-پاکستان / ۹

گزارشی مجمل از فصل جدید روابط ایران و پاکستان



عدالت، بر مسائلی از جمله مسائل کارگری کار کند، باید بداند که چگونه دانشگاه را به عنوان سنگر اصلی درگیر کند. چطور می‌تواند نظام مسائلی که احصا کرده است را در پیوند بازیگران دانشگاه از جمله اساتید، شکل دهد و در حل آن مسئله به نهاد «دانشگاه» اعتبار ببخشد. نهاد دانشگاه در حل مسائل کشور، سال‌هاست که دچار کج کارکردی شده است. یک بار در هیبت عدم ارتباط صنعت با دانشگاه و یک بار با بیان این مسئله که نیروهای متخصص در نهادهای دولتی به کار گرفته نمی‌شوند. با این حال آن چیزی که به نظر می‌رسد به طور کلی محل بحث قرار گرفته است؛ «اعتبار» دانشگاه در حل مسائل است. مشخص است تا زمانی که بازیگران دانشگاه در نسبت با مسائل جاری جامعه، تحلیل رو به جلویی نداشته باشند، سایه یاس و ناامیدی نسبت به حل مشکلات، دانشگاه را تبدیل به جزیره‌ای برای تربیت نیروی مهاجرت‌کننده خواهد کرد. این وضعیت، نهادهای بیرونی را هم از کارکرد دانشگاه ناامید می‌کند. این رابطه اساساً دوسویه است. حال نقش تشکیلات دانشجویی در چنین وضعیتی در قدم اول برهم زدن روح ناامیدی و فعال کردن بازیگران مختلف در جهت حل مسائل است. این روزها احیای اعتبار دانشگاه در مواجهه با جامعه و مسائل آن، سنگر اصلی تشکیلات دانشجویی است و یقظه‌ی رهبری پیرامون این موضوع، می‌تواند شروعی باشد بر بازبینی راهبردهای سالانه و نگاه‌ها پیرامون نقش تشکیلات دانشجویی. هرچند امیدواریم این یقظه با برخی تحلیل‌ها و قرائت‌هایی متفاوت، خود تبدیل به راهبرد جدیدی نشود!

فرزانه سادات باطنی؛

کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی

سیاسی مالیات‌گیری تا امنیت زنان، گفتاری فراتر از متن اصلی لایحه‌ها و طرح‌ها دارند؟ وقتی نظام مسائل کشور را بین دانشجویان دانشکده مطرح می‌کنید، کدامشان فراتر از موج‌های مجازی ایده و نظر دارند؟ به پاسخ این سوالات فکر کنیم. فراتر از پاسخ‌ها لازم به ذکر است که تشکیلات دانشجویی، قلب و محرک دانشگاه است. راهبرد بازگشت به دانشگاه - که امیدواریم مثل دفعات گذشته، با برداشتهای بزرگ‌نمایی شده از سوی برخی شاهد عبور از دانشگاه نباشیم - یک گزایی را به دست تشکیلات دانشجویی می‌دهد که این روزها باید به سنگرهایتان برگردید. باید حواستان باشد که میدان دانشگاه، به عنوان بستری که بازیگران آن باید مبدا و محرک جامعه باشند، این روزها بیش از هر چیزی نیاز به تبیین دارد. بازگشت به دانشگاه به این معنی نیست که نظام مسائل فعلی تشکیلات باید تغییر کند. دیگر مسئله کارگری، زنان، اقتصاد و... مسئله نیست و نظام مسائل باید حاوی مسائلی از جمله بحث آموزش عالی، حجاب در دانشگاه و... باشد. اساساً دوگانه دانشگاه و جامعه در طراحی نظام مسائل، دوگانه‌ای غلط و رهن است. نوعاً به لحاظ کنشگری، تشکیلات دانشجویی با نظام مسائل مختلف خود اعتبار کسب می‌کند و به عبارتی شکاف میان دانشگاه و جامعه را در وارد کردن مسائل کشور به جامعه پر می‌کند. تشکیلات دانشجویی هرچند در میدان و مخاطب، باید دانشگاه را سنگر اصلی خود بداند و به مسائل دانشگاه نیز توجه داشته باشد؛ اما «سنگر اصلی» به معنی هدف اصلی نیست. نقش تشکیلات دانشجویی در رسالت جهت‌دهی به تربیت عالم و تولید علم، که یکی از موارد مطرح شده برای وظایف دانشگاه بود، اساساً پررنگ است. اثرگذاری در فضای دانشگاه یعنی همراه کردن بازیگران مختلف در جهت آرمان‌های انقلاب اسلامی. چنانچه بناست که تشکیلات دانشجویی در جهت آرمان

این پاراگراف قبلاً در همین نشریه منتشر شده است، اما مرور دوباره آن لازم است:

نهضت تفسیر بیانات رهبری چند سال است که بلافاصله بعد از فرمایشات ایشان شروع به کار می‌کند، آنقدر که شاید شما تفسیر دیگران از ترکیب «آتش به اختیار» در خاطرتان باقی مانده باشد؛ درحالی که فرمایشات رهبری در این موضوع را یک بار هم نخوانده‌اید! پرداخت به حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن، اساساً مقوله‌ی روش‌مندی شده که مواجهه ما با مباحث را دچار خدشه می‌کند. متن مخصوصاً اگر از سوی فرد بزرگی باشد فی‌نفسه دارای ارزش است که معرفت انسان را بالا می‌برد. فلذا توصیه می‌شود که قبل از خواندن این یادداشت، حتماً بیانات رهبری در دیدار دانشجویی اخیر خوانده شود. و اما پیرامون بیانات مقام معظم رهبری؛ چقدر از انقلاب فرهنگی و اتفاقاتی که بعد از آن برای دانشگاه افتاد مطلع هستید؟ می‌دانستید رهبری قائل هستند برخی برخوردها در آن زمان با دانشگاه چندان درست نبوده است؟ آیا مطلع‌اید که در بین اساتید رشته‌های خودتان، چند نفر قائل به نظریه‌های فلسفه سیاسی که تبیین‌کننده روحیه تجزیه‌طلبی کشور است، وجود دارند؟ می‌دانستید چند نفر از اساتیدتان، در یادداشت‌های کانال‌های خود، ایران را «ای ران» مینویسند؟ می‌دانستید نویسنده منابع کنکور ارشدی که می‌خوانید، صراحتاً این روزها به نفع رژیم صهیونیستی مصاحبه می‌کند؟ می‌دانستید در کلاسی که باید از حقیقت تاریخ فلسطین بخوانید، سال‌هاست اساتیدی انتخاب می‌شوند که از منابع دسته‌چندم برایتان استدلال می‌آورند که غصب اسرائیل حاصل از نظریات توهم توطئه است؟ برای برنامه‌هایی که می‌خواهید پیرامون مسئله کارگری در دانشکده بگیرید، چند استاد اساساً تحلیل و نگاه دارند؟ چند استاد در مورد لایحه‌های مهم اخیر مجلس، از ابعاد



اگر بایدن از نتانیاهو حمایت نکند؛ جریان صهیونیسم از او ناراحت می‌شود. اگر حمایت بکند، جریان منتقد دموکرات از او ناراحت می‌شود و این مشکل روی افکار عمومی خارج از آمریکا تاثیر گذاشته است. در اینجا نقش پلیس بد و پلیس خوب تعریف می‌شود؛ به طوری که نتانیاهو پلیس بد است و بایدن قصد دارد که نقش پلیس خوب را ایفا کند. در عمل کار او حمایت از رژیم صهیونیستی است و این را باید باور کرد. سیاست آمریکا در ۷ ماه گذشته، خرید وقت برای رژیم صهیونیستی بوده است. این درست است که هم از نتانیاهو حمایت و هم او را نقد می‌کند، اما دل او با نتانیاهو است و اگر نقدی هم دارد به دلایلی هست که عرض شد.

شما نسبت به رقیب بیشتر هزینه کردی، احتمال انتخاب شدنت ۹۴ درصد است. اگر کمتر هزینه کردی احتمال انتخاب شدنت ۶ درصد است. به علت نقش پول در ساختار سیاسی آمریکا و همچنین نقش آن در انتخابات آمریکا، اینکه صهیونیست‌ها در آمریکا به چه سمتی متمایل شوند، اهمیت دارد و یکی از دلایلی که بایدن در این ۷ ماه از نسل‌کشی در غزه حمایت کرده است، همین امر می‌باشد. مشکل دوم این است که جمعیت قابل توجهی در درون حزب دموکرات شاهد نسل‌کشی هستند و این حمایت بایدن را آبروریزی بزرگی برای آمریکا در سراسر جهان تلقی می‌کنند. در بعضی از ایالت‌های تاثیرگذار در انتخابات، مثل ایالت میسیگان جمعیت قابل توجهی از مسلمانان عرب تبار وجود دارند و این قشر به دلیل حمایت بایدن از نسل‌کشی و صهیونیست بودن وی، از او ناراضی اند. مسلمانان قطعاً به ترامپ نیز رای نمی‌دهند؛ زیرا او هم صهیونیست بوده و در جنایت‌های رژیم صهیونیستی در گذشته شریک بوده است. منتها چون این قشر معمولاً به بایدن رای می‌دادند، اگر خانه بنشینند، ضربه اصلی را بایدن خواهد خورد. بنابراین

- با توجه به نزدیک‌تر شدن فضای انتخاباتی در آمریکا و شنیدن اخباری مبنی بر حمایت و از طرفی انتقاد بایدن از نتانیاهو، شاهد تحلیل‌های گوناگونی هستیم. برخی حمایت بایدن از نتانیاهو در موقف عملیات ۷ اکتبر و پس از آن را به حساب حمایت مالی نتانیاهو از ایالات متحده می‌گذارند و برخی دیگر نیز معتقدند که بایدن به سبب افکار عمومی و مواضع حزب دموکرات، از نتانیاهو انتقاد می‌کند. لطفاً تحلیل خود از این مسئله را بفرمایید.

- یکی از مشکلات بایدن در رابطه با انتخابات ایالات متحده، جریان صهیونیسم است. این جریان تامین‌کننده بخش قابل توجهی از بودجه مالی دو حزب جمهوری خواه و دموکرات برای رقابت‌های انتخاباتی بوده و بنابراین اگر بایدن از نتانیاهو حمایت نکند، در انتخابات آبان‌ماه دچار مشکل می‌شود. اساتید علوم سیاسی در آمریکا در پژوهش‌های متعددی گفته‌اند که اگر فردی نسبت به رقیب خود کمتر هزینه کند؛ احتمال پیروزی او در انتخابات به طور میانگین ۶ درصد است. یعنی اگر





کم نبوده و نیستند.

جنگ غزه نیز دیر یا زود تمام می‌شود و اسرائیل به اهدافی که دارد نمی‌رسد. چون اهداف این رژیم اصولاً دست‌یافتنی نیستند؛ چراکه ممکن است توانایی نابوی یک گروه وجود داشته باشد، اما یک ملت قابل انهدام نیست. حماس بخشی از ملت فلسطین است. جوان‌های فلسطینی ذیل حماس و جهاد اسلامی متشکل شدند. این افراد گروه‌های خارجی یا گروه‌های قابل تشخیصی نیستند؛ زیرا بخشی از مردم هستند. از این جهت داستان غزه با شکست رژیم صهیونیستی دیر یا زود تمام خواهد شد.

- با مدنظر اینکه رژیم معتقد به طولانی‌تر شدن حمله ۷ اکتبر می‌باشد، لطفاً بفرمایید که علت تلاش‌های بی‌وقفه نتانیاهو برای ماندن در قدرت چیست و چرا نگرانی‌هایی برای مقامات ایجاد کرده است؟

- مشخص است؛ چرا که نتانیاهو به هیچ اصول اخلاقی‌ای پایبند نیست. هدف او این است که حتی اگر ادامه حضور او در قدرت منجر به ادامه جنگ، یا ادامه نسل‌کشی یا ادامه درگیری‌ها درون خود رژیم شود- چون قدرت‌طلب است- می‌خواهد در قدرت بماند. سابقه نتانیاهو این را ثابت کرده است. آمریکا هم معتقد است که اگر نتانیاهو در حال حاضر قصد جابجایی را داشته باشد، این یک پیروزی برای محور مقاومت است؛ فلذا هم اکنون تمایلی به جابجایی نتانیاهو ندارند، اما به نظرم دموکرات‌ها حداقل به این نتیجه رسیدند که در دراز مدت نتانیاهو به نفع اسرائیل نیست. چون دغدغه اصلی آمریکا آینده اسرائیل است و نه آینده فلان سیاستمدار اسرائیلی؛ بنابراین محتمل است که از ادامه فعالیت شخص نتانیاهو حمایت نکنند.

- نظر شما در مورد تشدید تنش‌ها میان تهران- تل آویو چیست و چه برنامه راهبردی جدیدی برای نتانیاهو ایجاد می‌کند؟

- نتانیاهو سال‌هاست که در صدد ایجاد درگیری نظامی بین ایران و آمریکا از طریق استفاده از سربازان آمریکایی است. آمریکایی‌ها هم تا به حال، عاقل‌تر از این

برای نفوذ آمریکا در منطقه بوده که باید گفت این منطقه یکی از مهم‌ترین مناطق است. دلیل بعدی هم کارکردی است که رژیم صهیونیستی در تکنولوژی سرکوب دارد. کشورهای غربی نیاز دارند جمعیت‌های خودشان را سرکوب کنند. بخش قابل توجهی از ابزار سرکوب همراه با فناوری آن، در اسرائیل تولید می‌شود؛ چه نرم‌افزارهای جاسوسی و چه پهپادهای جاسوسی باشد. در واقع توانمندی اسرائیل بالا است به دلیل اینکه با مردمی مواجه‌اند که هیچ پناهگاهی ندارند؛ لذا یک محیط آزمایشگاه عملی دارند. در غزه یکی از کارهایی که صهیونیست‌ها انجام می‌دهند، این است که ابزارهایشان را تست و سپس تبلیغ می‌کنند؛ بدین صورت که می‌گویند ما این ابزارها در مورد انسان‌ها را اجرا کردیم و در عمل این فناوری‌ها جواب دادند. در نقاط مختلف دنیا دیگر این فناوری‌ها را دم دست ندارند که هر کاری خواستند، روی آن انجام دهند.

- فایننشال تایمز در پیش‌بینی خود از تحولات سال نو میلادی (۲۰۲۴)، انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا را جزو بدترین رقابت‌های انتخاباتی در طول تاریخ این کشور پیش‌بینی کرد و درباره جنگ غزه ابراز امیدواری کرد که فشارهای دیپلماتیک اوضاع را کنترل کند. نظر شما در رابطه با این پیش‌بینی چیست؟

- اینکه انتخابات در سال ۲۰۲۴ بدترین رقابت، است بله درست است. نظر مردم آمریکا هم همین است. بیش از ۷۰ درصد مردم دنیا تمایلی به تماشای رقابت دوباره بین بایدن و ترامپ را ندارند. دموکرات‌ها از ترامپ متنفر اند. از آن طرف، جمهوری‌خواهان از بایدن متنفر اند. درون حزب دموکرات حدود ۶۰ درصد معتقد اند که بایدن توانایی دور دوم ریاست جمهوری را ندارد و بنابراین؛ آمریکا در نامناسب‌ترین وضعیت خود به سر می‌برد. این کشور، یک جمعیت ۳۳۰،۳۴۰ میلیونی دارد. دو حزبی است و باید بگوییم که دو حزب هم انسان‌های شایسته‌ای را به عنوان نامزد انتخاب نمی‌کنند. بایدن از جهت وضعیت جسمی و عقلی لیاقت ندارد و ترامپ نیز که از بابت آزار جنسی به یک خانم بیش از ۴۰۰ میلیون دلار محکوم شده بود، شایستگی ریاست جمهوری را ندارد؛ هرچند که دیگر جنایت‌هایش در آن کشور

- بایدن از ۵۰ سال گذشته در سیاست حضور داشته است و از همان ابتدا اعلام کرده که صهیونیست و حامی ایدئولوژی صهیونیسم است. از طرفی آمریکایی‌ها ادعان دارند که به سرزمینی در این منطقه نیاز دارند و معتقدند اگر اسرائیل هم نبود، باید چنین منطقه‌ای ایجاد می‌کردند. با این تفاسیر، آیا حمایت بایدن از رژیم صهیونیستی، دلایل دیگری نیز دارد؟

- یکی از دلایل مختلف حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی، کارگزاران در آمریکا هستند. رووسای جمهور آمریکا همچون بایدن و ترامپ غالباً صهیونیست‌اند. اما بایدن در مقایسه با سایرین از جهت استفاده از صهیونیست‌ها در کابینه خود، رکورد زده است؛ وزیر خارجه، وزیر خزانه‌داری، وزیر امنیت داخلی، رئیس نهادهای اطلاعاتی-امنیتی و رئیس دفتر بایدن، همه صهیونیست‌اند. ضمناً صهیونیست‌هایی که در سطح وزارت هستند، معمولاً معاونین خود را نیز از صهیونیست‌ها انتخاب می‌کنند. یکی از نشریات اسرائیلی شمرده بود که ۴۶ پست اصلی سیاست خارجی اطلاعاتی-امنیتی در دولت بایدن برای صهیونیست‌هاست. بنابراین یکی از دلایل حمایت، شخص بایدن است و دلیل دوم هم حضور گسترده صهیونیست‌ها در کابینه بایدن است. سابقه تاریخی مشترک نیز از دلایل دیگر است. آمریکا توسط اروپایی‌هایی که سرزمین آمریکا را غصب کردند و بومیان آنجا را یا کشتند یا اخراج کردند، تاسیس شد. به این می‌گویند **Settler Colonialism** یا استعمار شهرک نشین. این نوع استعمار با استعمار معمولی تفاوت دارد. استعمار معمولی کاری است که انگلستان با هند کرد. یک جایی را غارت می‌کنند و غالباً مردم آنجا را نمی‌کشند، مگر اینکه مردم اعتراض کنند؛ چون به کار و قدرت بازوی مردم برای استعمار بیشتر نیاز دارند.

Settler Colonialism اتفاقی است که در آمریکا افتاد و در رژیم صهیونیستی هم رخ داد. اروپاییان صهیونیست، سرزمین فلسطین را غصب کردند، ساکنین را یا کشتند و یا اخراج کردند. ۷۰ درصد افرادی که در غزه هستند از نقاط مختلف فلسطین آواره شده‌اند.

دلیل بعدی، کارکرد ژئوپولیتیک رژیم صهیونیستی است؛ از این حیث که پایگاهی



ایالات متحده از اسرائیل کم می‌شود؛ چرا که در کشوری که اکثریت رنگین پوست هستند نمی‌شود از یک حکومت آپارتاید حمایت قوی وجود داشته باشد. از این جهت آینده برای فلسطین مثبت است.

فلسطین هستند. به گزارش چند ماه پیش روزنامه هآرتص، از سال ۲۰۲۰ دو نهاد اطلاعاتی اسرائیل برآوردشان این است که اکثریت مردمی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند، فلسطینی هستند. اگر انتخاباتی برگزار شود و هر کس یک رای داشته باشد، یک مسلمان عرب نخست وزیر فلسطین می‌شود؛ نه آقای نتانیاوو. تنها راهی که صهیونیست‌ها می‌توانند حکومت این منطقه را به دست بگیرند این است که حکومت آپارتاید باشد، مردم فلسطین حق رای نداشته باشند و دموکراسی نیز برقرار نباشد. این سبک مخصوصا پس از نسل‌کشی در غزه، پایان رژیم صهیونیستی را آغاز کرده است. ممکن است چند سال طول بکشد؛ اما مولفه‌هایی همچون ضربه اقتصادی عملیات طوفان الاقصی، مهاجرت معکوسی که وجود دارد و درگیری بین خود صهیونیست‌ها، در نهایت مشکلات جدی‌ای را ایجاد خواهد کرد و حمایت کشورهای غربی از یک رژیم آپارتاید در دراز مدت نیز، کم و متوقف خواهد شد. از این جهت آینده برای فلسطین بسیار روشن است و این پایان رژیم صهیونیستی است. در آمریکا هم تغییر دموکراتیک داریم. در حقیقت اکثریت مردم آمریکا تا سال ۲۰۴۵؛ یعنی ۲۱ سال دیگر، رنگین پوست می‌شوند و سفید پوستان در اقلیت قرار می‌گیرند و حمایت

بودند که به این سمت بروند، نه به علت اینکه از اصول اخلاقی پیروی می‌کنند؛ بلکه به سبب اینکه جنگ علیه ایران از حیث توانمندی‌های ایران پرهزینه خواهد بود. طراحی اخیر نیز که با حمله به سفارت ایران انجام شد، یکی از اهدافش شاید همین بود که محقق نشد؛ یعنی به نوعی ایران پاسخ داد که هم ضربه مهلکی به رژیم صهیونیستی وارد شد و هم طراحی به نوعی بود که آمریکا وارد آن نشد. بنابراین قابل درک است که بگوئیم نتانیاوو در این مورد هم شکست خورد. اگر به این نتیجه می‌رسید که پاسخ ایران به این صورت است، شاید از ابتدا هم علیه سفارت ایران چنین عمل تروریستی‌ای را انجام نمی‌داد.

– نظر شما در مورد نظرسنجی‌های مردم آمریکا پیرامون رژیم صهیونیستی و آینده آن چیست؟

– اصولاً در قرن ۲۱م، یک حکومت آپارتاید نمی‌تواند ادامه حیات داشته باشد. به نفع صهیونیست‌ها بود که راه حل دو کشور را بپذیرند و حداقل درصد کوچکی از سرزمینی که متعلق به فلسطینی‌ها بود را به فلسطینی‌ها بدهند. اگر این کار را می‌کردند، وقایع هفت ماه گذشته رقم نمی‌خورد؛ منتها صهیونیست‌ها به دلیل تندروی‌ای که دارند این کار را نکرده و درصدد غصب کل سرزمین



خود و دست کم گرفتن توانمندی نظامی دشمن، سوءبرداشت نسبت به نیت‌های دشمن (اغراق یا دست کم گرفتن میزان دشمنی دشمن) و سوءبرداشت نسبت به واکنش کشورهای سوم مواردی هستند که می‌شود آنها را در تحلیل جنگ روسیه با اوکراین بررسی کرد. تصور داشتن قدرت نظامی بسیار قوی و همچنین کسب پیروزی‌های موفق در چچن، کریمه و سوریه این تصویر را برای پوتین ایجاد کرده بود که در اوکراین نیز می‌تواند به یک پیروزی فوری دست یابد اما بر خلاف آنچه که بسیاری از کارشناسان نیز انتظار داشتند، این مسئله بیشتر حاکی از سوءبرداشت پوتین در جنگ اوکراین بود که قدرت و توان نظامی کشورش را بسیار دست بالا گرفته بود. از طرف دیگر، درمورد آمادگی نیروهای اوکراینی برای مقاومت نیز ارزیابی درستی انجام نشد. تصور فرماندهان روسیه (با ارجاع به تجربه تصرف سریع کریمه) بر این بود که نیروهای مسلح اوکراین تمایلی به رویارویی با نیروی زمینی روسیه را ندارند و خیلی زود تسلیم خواهند شد؛ درحالی که در عمل، نیروهای اوکراینی متحد شده و زلنسکی نیز در رأس امور عقیده بر ایستادگی همه جانبه در مقابل روسیه را داشت. مسئله دیگر، سوءبرداشت روسیه درمورد نیت‌های دشمن است که آن را می‌توان در به‌کارگیری واژه‌هایی چون "نسل‌کشی و روس‌هراسی" جست‌وجو کرد.

به آنچه که استفان والت در نظریهٔ موازنه تهدید مطرح می‌سازد، "نیات تهاجمی" در کنار دیگر عوامل ایجادکننده درک تهدید، یکی از کلیدی‌ترین محرک‌های تشکیل موازنه علیه کشورهایی است که مهاجم تلقی می‌شوند. اقدامات آمریکا و ناتو در زمینه‌هایی چون حمایت از انقلاب‌های رنگی در کشورهای پسا شوروی، تغییر ساختار قدرت در اوکراین، مداخله در لیبی علی‌رغم مخالفت‌های روسیه و به طور کلی گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به سمت شرق به مثابه محرک‌هایی عمل می‌کنند که روسیه را در وضعیتی قرار می‌دهد که برای مقابله با تهدیدات، دست به اقدام بزند. با نادیده گرفتن معاهدات ارائه شده توسط روسیه جهت ممنوعیت حضور ناتو در اوکراین و محدود کردن حضور نظامی آمریکا در کشورهای پسا شوروی، حمله نظامی به اوکراین در دستور کار کرملین قرار گرفت. با این حال، روند جنگ به شکلی رقم خورد که نشان‌دهنده اشتباه محاسباتی پوتین از برآوردهایش در این زمینه بود. در تحلیل چرایی این مسئله، بررسی برداشت‌های ذهنی پوتین می‌تواند کمک‌کننده باشد. جک لوی یکی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل در همین راستا معتقد است که سوءبرداشت رهبران می‌تواند منجر به فاجعه و جنگ‌های بسیار مخرب شود. سوءبرداشت نسبت به توانمندی نظامی دشمن (اغراق در برآورد توانمندی نظامی

جنگ؛ واژه‌ای است که تداعی‌کننده خشونت و خونریزی و منفور در افکار مردمان دنیاست. اینجاست که پوزیدنت پوتین با اعلام "عملیات ویژه روسیه در اوکراین" صحنه جدیدی را در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ در عرصه بین‌الملل رقم می‌زند. بیش از دو سال از آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین می‌گذرد، اما با توجه به آنچه که خود ولادیمیر پوتین نیز اذعان دارد، هنوز به اهداف تعیین شده در جنگ نرسیده است. حال سوال این است که چرا؟ در ابتدا نگاه به برخی علل اصلی آغاز جنگ، ضروری می‌نماید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، روسیه همواره به دنبال به دست آوردن جایگاه پیشین خود در نظام بین‌الملل بوده و مقدمات این مسئله را جز از طریق تسلط بر مناطقی که خود، آن‌ها را "خارج نزدیک" می‌خواند نمی‌دانسته است. اوکراین به عنوان یکی از کشورهای خارج نزدیک، منطقه‌ای است که اهمیت آن را برای روسیه نه تنها قرار گرفتن در حوزه برخورد با اروپا، بلکه در ریشه‌های تاریخی و هویتی نیز می‌توان جست‌وجو کرد. در حقیقت نقش حیاتی اوکراین برای روسیه قابل انکار نیست. به همین دلیل حضور و فعالیت هرگونه نیروی خارجی در حوزه نفوذ روسیه، آژیرهای امنیتی‌اش را به صدا درآورده و آن را به واکنش در قالب‌هایی چون جنگ وا می‌دارد. با توجه





تحقق می‌یابد. حال نگاه جهانیان دوخته به دستان هر کدام از بازیگران کلیدی این جریان است که چگونه دوباره یک دنیا را ملعبه سیاست‌های خویش قرار می‌دهند.

مریم محمدی؛
کارشناسی ارشد مطالعات آسیای
مرکزی و قفقاز

با تقویت جبهه خود دامنه جنگ را لحظه به لحظه گسترش می‌دهند. درباره اینکه آینده جنگ چگونه رقم خواهد خورد سناریوهای بسیاری توسط محققین ارائه شده است؛ اما محتمل‌ترین گزینه که برای شرایط فعلی نیز صدق می‌کند، ادامه روند درگیری بوده که به فرسایشی شدن جنگ می‌انجامد. سناریو توافق برای دستیابی به صلح اگرچه مطلوب سیاستمداران و جامعه جهانی بوده، اما در عمل هیچگاه به این سمت نرفته است. استفاده از گزینه سلاح هسته‌ای توسط روسیه مسئله‌ای است که در صورت به بن‌بست رسیدن پوتین در تحقق اهدافش، به عنوان یک سناریوی ممکن وجود دارد؛ هرچند با توجه به آسیب‌های جبران ناپذیری که متوجه خود روسیه نیز می‌شود، بعید به نظر می‌رسد. به هر حال، پیچیدگی‌های هر پدیده و رویداد سیاسی به نحوی است که نمی‌توان دورنمای کاملاً مشخصی را برای آن ترسیم کرد. در این زمان، هر اتفاقی دور از ذهن نیز امکان

در این زمینه حتی اگر روسیه به شکل جدی نگران نسل‌کشی و روس‌هراسی در منطقه «دنباس» باشد، اغراق در کاربرد واژه نسل‌کشی، سبب کاهش کارآمدی انتقادهای روسیه علیه اوکراین می‌شود و همین‌طور سیاستمداران روس را از درک منطقی تهدیدات دور می‌سازد. سوءبرداشت از نحوه واکنش بازیگران دیگر، یکی دیگر از خطاهای محاسباتی پوتین به شمار می‌رود. پوتین و همراهانش گمان می‌کردند که واکنش غرب به جنگ اوکراین به شکل پراکنده و نمادین خواهد بود. در تجربه‌ای که روسیه در مداخله در گرجستان (۲۰۰۸) و اوکراین (۲۰۱۴) داشت، تصور می‌کرد که تحریم‌ها به شکل محدودی اعمال خواهند شد؛ اما گستردگی تحریم‌ها به حدی بود که مقامات روسی تحریم را به منزله جنگ علیه روسیه تلقی کردند. به هر صورت، مجموعه این عوامل اوضاع را به سمتی هدایت کرد که بر خلاف تصور پوتین بود. هم‌اکنون نیز، هر دو طرف روسیه و اوکراین



اسلوب ناب



از جانب وی می‌فرمایند: «او منطق مخالف را به دقت گوش می‌کرد، به گونه‌ای که فرد مخالف از سخن گفتن خسته می‌شد و دیگر مطلبی نداشت و تصور می‌کرد که استاد را قانع کرده است؛ ولی آنگاه که نوبت سخن به مطهری می‌رسید، به تحلیل گفتار او می‌پرداخت و تار و پود سخن وی را به باد می‌داد. آزاداندیشی شهید مطهری در برابر مخالفان در نهایت از ایشان شخصیتی ماندگار ساخت که پس از گذشت سال‌ها همچنان برای پاسخ‌گویی به شبهات از وی نقل قول می‌کنند. این رویکرد در راستای عقیده او بر این مسئله بود که در عصر جدید موجی از سوال‌ها در رابطه با دین ایجاد شده که اسلام ظرفیت پرداختن به آنها را دارد و کار عالم، بیرون کشیدن

سخنان خویش به کار می‌بستند که بررسی این اسلوب خالی از لطف نیست. در زمینه مقابله با بدعت‌گذاران، تلاش برای بازشناسی اسلام ناب و پاکسازی گوهر دین از مکاتب انسانی یکی از مهم‌ترین راهبردهای شهید مطهری در راستای حفظ اسلام بود. اقدام ایشان در جهت جداسازی مکاتب غربی همچون جداسازی مارکسیسم از مفاهیم اسلامی، مبارزه در برابر خرافات و اکاذیب وارد شده در دین (که کتاب حماسه حسینی شاهد مثالی بر آن است) و مقابله با تحجر و اخباری‌گری در نهایت ایشان را به عنوان پایه‌گذار نهضت بازشناسی اسلام اصیل در تاریخ ماندگار کرده است. آیت الله جعفر سبحانی در حوزه انتقادپذیری شهید مطهری و پذیرش دیدگاه‌های مخالف از

هر کسی برای خودش در زندگی هدف دارد، هدفش هر چه می‌خواهد باشد، یکی هدفش عالی است، یکی هدفش پست است، یکی هدفش خداست، یکی هدفش دنیاست. بالاخره انسان‌ها هدف دارند. بعضی افراد برای هدف خودشان اصلاً سبک ندارند، روش انتخاب نکرده‌اند، روش سرشان نمی‌شود، اکثریت مردم دون منطبق‌اند، دون سبک‌اند، دون روشن‌اند، به اصطلاح هرج و مرج بر اعمالشان حکم فرماست و همج رعاع هستند. (شهید مطهری - سیری در سیره نبوی). سیره به معنای اسلوب معنادار و قابل الگوبرداری حاکم بر رفتار است و نوعی منطق عملی را شامل می‌شود. شهید مطهری به عنوان یکی از مهم‌ترین فلاسفه و علماء معاصر نیز طبعاً سبکی رفتاری متناسب با





حکومت می‌توان گفت که مشروعیت یک حکومت از نظر شهید مطهری نوعی مشروعیت فلسفی غیراختیارگرا است که در آن ولی فقیه به دلیل انتصاب به وسیله شارع مقدس به دلیل داشتن شرایط و ویژگی‌هایی، متصدی امر حکومت شده است؛ به همین علت مشروعیت او به شرع باز می‌گردد نه به اراده مردم. اما از جهت دیگر ایشان مردم را صاحب اختیار برای گردن نهادن به هر نوع حکومتی می‌دانند و از نظر وی، حکومت اسلامی بدون خواست و اراده مردم غیرقابل تشکیل است. در واقع شرط لازم برای به وجود آمدن یک حکومت اسلامی تمایل مردم به این نوع حکومت است و مشروعیت به تنهایی جواز ایجاد حکومت اسلامی را به ما نمی‌دهد. اسلوب بعدی تفکر ایشان، عدالت است. عدل در اجتماع به منزله پایه‌های ساختمان است و احساس از نظر اجتماع به منزله رنگ‌آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان است. اول باید پایه درست باشد، بعد نوبت به زینت و رنگ‌آمیزی و نقاشی می‌رسد. (شهید مطهری - بیست گفتار). در اندیشه سیاسی مطهری عدالت به منزله زیربنای جامعه است و در سنت اسلامی آن را اعطاء کل

پاسخ‌ها از دل اسلام ناب است. در همین حوزه می‌توان به کتاب حقوق زن در اسلام شهید مطهری اشاره کرد که جوابیه‌هایی به مطالب مجله زن روز بود. توجه به وحدت امت اسلامی در شرایطی که ملی‌گرایی کشورهای مسلمان منجر به تفرقه در جهان اسلام شده بود، به شدت پراهمیت جلوه می‌کرد. ناسیونالیسم علاوه بر تفرقه‌افکنی میان کشورهای مسلمان، می‌تواند منجر به اختلاف‌های درونی بین قومیت‌های یک کشور شود. این مسئله برای کشوری مانند ایران با جامعه‌ای متنوع و متشکل از گروه‌های قومی، زبانی و فرهنگی مختلف مسئله‌ای پرخطر است. شهید مطهری با آگاهی از مضرات ناسیونالیسم حاکم بر امت اسلامی، بر مفهوم وحدت تاکید می‌کنند، اما آن را به معنای کنار گذاشتن اصول اعتقادی فرقه‌های اسلامی و تمرکز بر مشترکات نمی‌دانند؛ چرا که از نظر ایشان این نوع از وحدت نه عقلانی است و نه قابل اجرا. وحدت از نظر شهید مطهری ایجاد حسن تفاهم بین امت اسلامی است تا بتواند بهترین کالای خود را به جهانیان عرضه بدارد و همچنین شیعه را از انزوا خارج کند. در باب نقش مردم در ساختار

ذی حق حَقّه تعریف کرده‌اند. عدالت در مقام اجرا، وجوه گوناگونی دارد که شهید مطهری بر عدالت در قانون تاکید می‌کند. ایشان معتقدند که قانون، خود باید از تبعیض بپرهیزد و رعایت استحقاق کند. از آنجایی که افراد متفاوت‌اند، قانون نیز نباید به همه به مساوات و برابری حکم کند بلکه باید با افرادی که خلقت یکسانی دارند به طور برابر و با کسانی که متفاوت‌اند، وابسته به نیازشان رفتار کند. در واقع عدالت یعنی هر حقی که بشر به موجب خلقت خود یا فعالیت خود به دست آورده، به او داده شود. مجموع رعایت این موارد در الگوی رفتاری شهید مطهری در نهایت منجر به نوعی نگاه جدید به دین شده است. این نگاه جدید دین را دارای اصالتی می‌داند که برای سوال‌های اجتماعی و علمی پاسخی درخور و قابل اجرا دارد. در واقع با تلاش علمای معاصر علی‌الخصوص شهید مطهری، اسلام از انزوای اخباری‌گری و التقاط با مکاتب غربی خارج شده و با تفسیر اجتماعی سیاسی از آن، به زندگی اجتماعی بازگشته است.

زهرا غروی؛

کارشناسی علوم سیاسی



متحده برای به انزوا کشاندن ایران به خصوص در صحنه پاکستان، آنچه که مشهود است، شناسایی ایران از سوی پاکستان به عنوان قهرمان امنیت و نفوذ جذبه محبت برادری اسلامی بخصوص در قلوب مردم پاکستان است. همچنان که پیشتر گفتیم، در سفر آقای رئیسی به سرزمین پاکستان اسناد هشت‌گانه‌ای شامل سه توافقنامه و پنج یادداشت مشترک امضا شد که به اختصار در هشت عنوان موافقتنامه امنیتی، موافقتنامه قضایی در امور مدنی و تجاری، موافقتنامه در امور بهداشت دامی، یادداشت تفاهم ایجاد مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی، یادداشت تفاهم توسعه منابع انسانی پاکستان، یادداشت تفاهم تبادل فیلم‌های سینمایی، یادداشت تفاهم شناسایی متقابل استاندارد و یادداشت تفاهم همکاری‌های حقوقی، به اطلاع عموم رسید. از میان اسناد ضمانت شده به ویژه یادداشت تفاهم ایجاد مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی، هدف‌گذاری

کردند. به خاطر داریم آخرین باری که رئیس‌جمهور ایران به کشور پاکستان سفر کرد، هشت سال پیش بود و حالا پس از گذشت هشت سال، بار دیگر مشابه آن دیدار پیشین محقق شد؛ اما این بار دولت سیزدهم به علت اتخاذ سیاست «اول همسایگان» با عزمی جدی تر برای برقراری ارتباط دوسویه با دولت پاکستان گام برداشته است. تمایل دو سویه هر دو کشور برای برقراری هرچه بیشتر رابطه برادری و همکاری در سطوح مختلف و اتخاذ رویکرد «سیاست همسایگی» از سوی دولت سیزدهم در این سفر، موجبات امضای هشت سند همکاری توسط دو کشور را فراهم آورد. وجه با اهمیت پیامدهای دیدار رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر دو کشور، روشن شدن بیش از پیش تغییر معادلات منطقه و صحنه بازی سیاست به نفع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت برای دولت‌مردان آمریکایی است. علی‌رغم تلاش‌های بسیار ایالات

«بعد از انتخاب دولت جدید پاکستان، برای اولین بار است که یک مقام عالی‌رتبه به کشور ما می‌آید و این موجب افتخار ماست. چشم ما روشن، دل ما شاد...» [و داع و وصل جداگانه لذتی دارد، هزار بار برو صد هزار بار بیا.] این جملات بخشی از خوش‌آمدگویی آقای شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان خطاب به رئیس‌جمهور ایران در ابتدای سفر رئیس‌جمهور کشورمان به پاکستان است. سفری که به دعوت نخست‌وزیر پاکستان و به عنوان اولین سفر به یک کشور خارجی بعد از عملیات وعده صادق، از سوم تا پنجم اردیبهشت‌ماه انجام شد. به طور دقیق و به ترتیب رئیس‌جمهور کشورمان بازدید کوتاه و با کیفیتی از سه شهر اسلام‌آباد (قلب سیاسی پاکستان)، کراچی (قلب اقتصادی پاکستان) و لاهور (مرکز فرهنگی پاکستان) انجام دادند و اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در روابط دو کشور را دنبال





گفتگوی شکل گرفته در این دیدار و میزان استقبال و شور و اشتیاق مردم پاکستان برای استقبال از رئیس جمهور ایران از جمله آذین بندی برخی مکان‌ها، نشان از ارتباط قلبی و نزدیک جامعه پاکستان با دولت و ملت ایران دارد. به طور مثال یکی از اساتید دانشگاه پاکستان خطاب به آقای رئیسی گفتند «شما ایرانی‌ها پادشاه جهان اسلام و شیر خاورمیانه هستید.» سخنان رد و بدل شده نشان می‌دهد مسئله فلسطین برای دولت و جامعه پاکستان جزو خط قرمزهاست و در خصوص آرمان فلسطین، نزدیکی فکری میان دو کشور وجود دارد. همچنانکه یکی از مقامات در دیدار از مقبره علامه اقبال لاهوری به آقای رئیسی گفتند: «دل ما از عملیات وعده صادق شاد شد.»

با عنایت به همراهی کامل دولت و ملت پاکستان با مسئله اول جهان اسلام یعنی آرمان‌رهایی قدس شریف، به گفته وزیر فرهنگ، اقدام فرهنگی در سفر دو روزه مذکور در خصوص مسئله اول جهان اسلام، طراحی سلسله اقدامات فراگیر در جهت دفاع از فلسطین و رسیدن به چهارچوبی قابل اجرا در این خصوص، با هدف تکمیل پدافند فرهنگی علیه رژیم صهیونیستی در سراسر جهان و در کشورهای همسو با محکومیت اسرائیل است. به علاوه به گفته وزیر فرهنگ، مذاکراتی برای اجرای طرح‌های مشترک و اقدامات نمادین و تولیدات فرهنگی صورت گرفته است؛ نام گذاری بزرگراهی در پاکستان به نام ایران و تولید مشترک فیلم سینمایی حول محور زندگی علامه اقبال لاهوری بخشی از این اقدامات است.

به عنوان کلام آخر باید گفت که تاریخ روابط ایران و پاکستان نمایانگر وجود بدخواهان مجد در رابطه با روابط دو کشور است، اما با این حال به نفع هر دو کشور است که به نزدیکی روابطشان اهتمام داشته باشند. همانطور که رهبری فرمودند: «روابط خوب، به نفع هر دو

شاهد تلاش و تقلا بر هم زندگان نظم منطقه برای استفاده از موضوع تروریسم به منظور تفرقه‌اندازی میان ایران و پاکستان بوده‌ایم. در قسمتی از نطق فرمانده ارتش پاکستان آمده است که: «نمی‌گذاریم تروریست‌ها به روابط مهم ایران و پاکستان ضربه وارد کنند.» و در بیانیه مشترک ایران و پاکستان در پایان سفر آقای رئیسی، هر دو طرف ضمن محکوم کردن تروریسم در همه اشکال و ظواهر آن، اذعان داشتند که تروریسم تهدید مشترکی برای صلح و ثبات و مانع بزرگی برای توسعه منطقه است. در این راستا دو کشور ضمن اتخاذ رویکرد مشارکتی برای مقابله با این تهدید، با استفاده از سازوکارهای نهادی دوجانبه موجود برای مبارزه مؤثر و مقابله با تهدید تروریسم ضمن رعایت کامل اصول منشور ملل متحد، به ویژه اصول حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای عضو، موافقت کردند.

همانطور که اشاره شد توافق‌نامه‌هایی که در این خصوص به دلیل وجود حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک و وجود دشمنان این دو کشور در این مرز از اهمیت زیادی برخوردار است، به امضای طرفین رسیده است. در وهله سوم نیاز است به تفاهم در خصوص فیلم‌های سینمایی و مباحث مطرح در حوزه فرهنگی و علمی میان دو کشور اشاره شود. ارتباط وثیق تاریخی و فرهنگی ایران و پاکستان، تاریخچه‌ای طولانی به اندازه قرن‌ها دارد. این روابط در حوزه‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی، دینی و قومی قابل بررسی است که البته سخن در این خصوص بسیار است و در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد. لذا با عنایت به این مهم، رئیس جمهور از مقبره علامه اقبال لاهوری، و مسجد پادشاهی که محصول مشترک همکاری معماران ایرانی و مردم هند (پیش از استقلال پاکستان) است، دیدار کردند. همچنین رئیس جمهور کشورمان در دانشگاه «جی سی یو» در اجتماع جمعی از نخبگان، فرهیختگان، فعالان اقتصادی و علمای مذهبی این شهر حضور پیدا کردند.

افزایش حجم تجارت رسمی به ۱۰ میلیارد دلار و عزم جدی برای به اجرا در آمدن خط لوله «ای پی ای» برای مخاطب بیرونی جالب توجه است؛ چراکه بعد از گذشت ۱۰ سال از توقف اجرای این طرح، اکنون و بخصوص پس از این دیدارها خبرهایی حاکی از پایان توقف طولانی اجرای پروژه «خط لوله صلح» یا «ای پی ای» می‌باشد. پروژه‌ای که به دلیل حساسیت ویژه مسئله انرژی برای پاکستان به جهت افزایش صنعتی شدن این کشور و احتمال افزایش دو و نیم برابری تقاضای انرژی از سوی پاکستان در بیست سال آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین خط لوله صلح به مهار سیاست آمریکا برای منزوی کردن ایران اسلامی در عرصه بین‌المللی کمک کننده و از این جهت نیز قابل بررسی است. به گزارش ایرنا، آنطور که وزیر نفت ایران، آقای جواد اوجی اعلام کرده‌اند، اسلام آباد برای بهره‌برداری سریع خط لوله صادراتی گاز ایران به پاکستان (خط لوله صلح) علاقه‌مند بوده و طرف پاکستانی مشتاق است که هرچه زودتر تزریق گاز به خط لوله ای پی انجام شود و پاکستان برای تسریع در این امر در حال تنظیم قرارداد با شرکت‌های مختلف است.

باید دید دولت محترم کشور پاکستان در ادامه جانب کدام بُعد از مصالح کشور خود را خواهد گرفت. امید است که این طرح با کمترین چالش جهت منتفع شدن هر دو کشور به بهره‌برداری برسد.

در ادامه و در وهله دوم صحبت بر سر مسائل امنیتی در تفاهم‌نامه‌ها و در نطق فرمانده ارتش پاکستان در ملاقات با آقای رئیسی جالب توجه است؛ چرا که در ماه‌های گذشته

کشور ایران و پاکستان است، اما این روابط دشمنان جدی دارد که باید برخلاف میل آنها، همکاری و ارتباط در بخش‌های مختلف تقویت شود.» بنابراین انتظار می‌رود مسئولین محترم مربوطه در به اجرا در آوردن اسناد همکاری ثبت شده و افزایش همکاری‌ها مداومت و جدیت لازم را داشته باشند. امید است تلاش مسئولین جمهوری اسلامی در مسیر گسترش رابطه با کشورهای اسلامی گام‌های موثری در جهت اتحاد امت اسلام باشد و این سفر آغاز راه بزرگ انتفاع از ظرفیت دو طرفه کشور دوست و همسایه ما، پاکستان، در حداکثر سطوح ممکن، باشد.

زینب بذرافشان؛
کارشناسی علوم سیاسی

